بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 11 /اردیبهشت/ 1392

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

این عید شریف را، میلاد مسعود را، روز شادی و فرح و طراوت دلهای شیعیان را در طول تاریخ، به همه‌ی شما عزیزان، برادران، خواهران، بلبلان باغ مدحت آل پیغمبر، و ثناگستران برترین و بهترین خلایق عالم و آدم تبریك عرض میکنم. امیدواریم خداوند متعال از همه‌ی شما عزیزانی که برنامه اجرا کردید - خوانندگان، سرایندگان، اجرا کنندگان و مجموعه‌ی شما عزیزان - این توسل را به بهترین وجهی قبول بفرماید. بنده‌ی حقیر، خدا را سپاسگزارم که توفیق مرحمت کرده است ؛ شاید حدود سی سال یا بیشتر است که ما این توسل را در این روز داریم و بحمدالله رونق و شکوه و معنویت و رشد مفاهیم و معانی را انسان در پیشرفت سالها مشاهده میکند. امسال برنامه‌ای که اجرا کردید، بسیار خوب بود ؛ هم از لحاظ محتوا، هم از لحاظ قالب ؛ شعرها خوب بود، اجراها و خواندنها خیلی خوب بود. ان‌شاءالله که شما دوستان و عزیزان روزبه‌روز در جهت معرفت‌افزائی و نورپراکنی در فضای ذهنی جامعه، موفق‌تر باشید.

دو مطلب در این جلسه گفتنی است - اگرچه حرفِ گفتنی بیش از اینها است - یك مطلب در مورد مدیحه‌سرائی خاندان پیغمبر است ؛ این مهمی که شماها بر عهده گرفته‌اید. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور شبکه‌ی مداحان و ثناگستران خاندان پیغمبر توسعه پیدا کرده است ؛ جمعیت زیادی، استعدادهای زیادی، دلهای مشتاقی در میان خود مداحان - که از جوانهای ما، پیشکسوتهای ما، اساتید ما تشکیل شده است - بحمدالله میان مردم میروند و وسیله‌ی توسل مردم را فراهم میکنند و سفره‌ی برکت اهل‌بیت را میگسترانند ؛ این یك فرصتی است برای کشور ما ؛ مثل خیلی از فرصتهای دیگری که ما داریم. برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر، خیلی از فرصتهای ما را ندارند ؛ یکی‌اش همین است. این سلسله و رشته و جریان و شبکه‌ی توسل به اهل‌بیت و محبت اهل‌بیت و برانگیختن عواطف، خیلی فرصت مهمی است. حالا به هر دلیلی، دیگران در مناطق دیگر، از این نعمت بزرگ، از این برکت عام، به این شکل برخوردار نیستند ؛ ما داریم. یقیناً یکی از عواملی که دین را، معنویت را، عقیده را و اخلاق را در یك جمعیتی در طول تاریخ حفظ میکند، عواطف است ؛ در کنار عقل و خرد و استدلال. انبیاء و فرستادگان الهی ننشسته‌اند با مردم با زبان فلسفی حرف بزنند ؛ اگرچه برای فهمیدن کلام آنها و تعمق در بیان آنها، عقل فلسفی لازم بود و هست ؛ یعنی فلاسفه‌ی بزرگ از سفره‌ی گسترده‌ی عمومی انبیای الهی بیشترین بهره را میبرند ؛ اما این سفره، سفره‌ی خاص نیست ؛ لذا زبان آن، زبان استدلال عقلی و بگو و مگو و ان قلت و قلت نیست ؛ این زبان، ترکیبی است از اندیشه و عقل و عواطف ؛ عاطفه است که میتواند مسیر فهم عقلی و حرکت عقلی و جریان عقلی را هموار کند. ما به طور طبیعی این جریان را داریم ؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادی و مولودی‌خوانی و عزاداری، هم در جلسات دعاخوانی ؛ این دعای کمیل، این دعای ندبه، این دعای امام حسین در عرفه، و دعاهائی که مخصوص ما است. در میان دیگران، این مقدار دعای خوش‌لفظِ خوش‌معنای خوش‌مضمون وجود ندارد ؛ این هم از اختصاصاتِ امتیازاتی است که بحمدالله پیروان اهل‌بیت از آن برخوردارند. اینها همه‌اش عقل و عاطفه را درآمیخته‌ی با یکدیگر در طول تاریخ و در عمق ذهن بشر و عواطف انسان جاری میکند.

بنابراین شأن مداح این است ؛ یعنی برانگیختن عواطف، و به کمك اندیشه و خرد بردن این عواطف. شأن مداح و ستایشگر - این حرفه‌ای که امروز در کشور ما بحمدالله بوفور وجود دارد - این است که بتواند با بیان هنری، با شیوه‌ی هنری، با اجرای هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد. این شد محور اصلی. شعری که انتخاب میکنید، لحنی که انتخاب میکنید، شیوه‌ای که در آن با مردم حرف میزنید، در این جهت قرار بگیرد ؛ در جهت افزایش

معرفت و عمق بخشیدن به هدایت مردم و دانائی‌های آنها از دین و از راه زندگی ؛ این کاری است که جامعه‌ی مداح به بهترین وجهی میتواند انجام دهد.

بارها عرض کرده‌ایم و این یك حقیقتی است که وقتی شما یك قصیده را یا یك غزل را که حامل معارف است، در یك مجلسی میخوانید، گاهی از ساعتها سخن گفتن فصیح و بلیغ یك گوینده تأثیرش بیشتر و عمیق‌تر میشود ؛ این یك فرصت است ؛ از این فرصت باید استفاده کرد ؛ این فرصت را نباید ضایع کرد. شعری که محتوا نداشته باشد، این فرصت را ضایع میکند ؛ یا اگر چنانچه در آن یك نکته‌ی ضعیف و احیاناً غلط وجود داشته باشد، این فرصت را ضایع میکند ؛ یا اگر چنانچه کیفیت اجرا جوری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت ضایع شده است ؛ یا اگر جوری باشد که نیازهای نقد را که امروز مردم به دانستن آنها احتیاج دارند، ندیده بگیرد، این فرصت ضایع شده است. فرض کنیم در دوران جنگ تحمیلی که کشور نیاز داشت به یك حماسه‌ی پرشور عملی و جهاد در میدان، جوانها هم آماده بودند، پدر و مادرها هم آماده بودند، یك نفری برود در مجالس و محافل خود، شعر هم بخواند، خوب هم اجرا کند، منتها اشاره‌ای به این نیاز وقت نکند ؛ این ضایع کردن فرصت است. آن روز مداحها نقشهای خیلی خوبی آفریدند. در این جبهه کارهائی که مداحهای ما کردند، اثری که آنها در اعماق جان رزمندگان ما گذاشتند، کم‌نظیر است. من بعضی را اطلاع دارم ؛ مداحهای ترك‌زبان یك جور، مداحهای فارس‌زبان یك جور، همین آقایان مداحهای زنجان که امروز یکی از آنها اینجا خواندند، و جاهای دیگر و جاهای دیگر و از همه جا، و همچنین شعرائی که این مداحها را پشتیبانی میکردند، آن روز همه به وظیفه‌شان عمل کردند. امروز هم من نگاه میکنم، می‌بینم در میان این شعرهائی که خوانده شد، به نیازهای نقد توجه شده بود ؛ نمونه‌ی کاملش همین شعر آقای سازگار است، که هر سال همین جور است. ایشان در این شعرها و سرودها یك پیوند لطیفِ درستِ هنری‌ای بین عرش و فرش میزند ؛ از حریم ملکوت همین طور آرام و با شیوه‌ی هنری حرکت میکند، می‌آید در نیاز امروز، آنجا به این نیاز میرسد. ببینید، این ترکیبِ هنرمندانه است ؛ شعر هم خوب است.

شما از حنجره استفاده میکنید، که نعمت خدا است ؛ از لحن و آهنگ استفاده میکنید، که نعمت خدا است ؛ از شعر استفاده میکنید، که قریحه‌اش نعمت خدادادِ الهی است. این نعمتها در اختیار شما است ؛ اینها را در خدمت چه قرار میدهید؟ در خدمت معرفت‌افزائی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریك عصبیتهائی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیتها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر میبُرند، این استفاده، استفاده‌ی بدی است ؛ این را خیلی مراقب باشید.

شما اینجا یك شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد ؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهلِ متعصب را تحریك کند، بیندازد به جان یك مشت زن و بچه‌ی بی‌گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید.اینکه بنده این همه اصرار میکنم، تأکید میکنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کمرنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دلهای مردم ما را بحمدالله پر کرده و مالامال از محبت اهل‌بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریك کنیم، راهش آن است ؛ نه، اشتباه است.اختلاف‌افکنی یا تحریك عصبیتهای اختلاف‌افکن، مصلحت نیست ؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه‌السّلام) مصلحت بود ؛ آنها هم جلویش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی‌نگر به این مسئله توجه ندارند

همین طور است اختلافات داخلی و درونی. امروز مردم ما باید امید داشته باشند ؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست ؛ بخشنامه صادر میکنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر میشود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل میجوشد، حماسه با عقل هدایت

میشود، حماسه با ایمان پشتیبانی میشود ؛ اینها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی این است: فضای بدبینی به وجود نیاید ؛ فضای سوء ظن به وجود نیاید ؛ فضای امید، فضای خوشبینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید ؛ چشم‌اندازهائی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست.

مثلاً در اوائل دهه‌ی 60 - سی سال قبل از این - اگر چنانچه ما میگفتیم آینده چنین و چنان خواهد شد، ممکن بود بعضی‌ها بگویند بله، اینها دارند تلقین میکنند ؛ اما امروز که دیگر این حرفها نیست ؛ امروز که داریم می‌بینیم حرکت عمیقِ وسیع پیشرونده‌ی انقلاب و کشور را به سوی اهداف ؛ هم اهداف مادی، هم اهداف معنوی ؛ هم اهداف سیاسی، هم اهداف اجتماعی ؛ هم اهداف داخلی، هم اهداف بین‌المللی ؛ اینها جلوی چشم ما است ؛ مگر کسی میتواند منکر شود؟ آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم میکنیم، کسی بیاید در آن تردیدآفرینی کند، یأس‌آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد ؛ همچنین در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یك کشور و یك امت و یك تاریخ است.

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفتها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی ؛ «أ لم تر الی الذین بدّلوا نعمت اللّه کفرا و احلّوا قومهم دار البوار» ؛ (۱) این نباید بشود.

در بین شما عزیزان بحمداللّه هم پیشکسوتها هستند، هم جوانها هستند، استعدادهای خوبی هم وجود دارد. در میان شما، گلهای پرطراوتِ نورسی من مشاهده میکنم، که توانسته‌اید خوب وسط میدان بیائید و جای خالی گذشتگان را نه فقط پر کنید، بلکه برتر و بهتر از آنها - ما خیلی از گذشتگان را هم دیدیم - حرکت کنید.

آنچه که من به شما عرض میکنم، این است: مداحی، معرفت‌افزائی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دلها است ؛ با استفاده‌ی از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.

البته یك اصل مسلّمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت میبرند، از اجرای شما - چه در مدحتان، چه در مصیبتتان - دلهایشان تکان میخورد و اشك میریزند ؛ اما به خود شما هم نگاه میکنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه‌ی آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده بعکس شد ؛ مردم نشانه‌ی تزلزل اخلاقی، نشانه‌ی عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبائی‌هائی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت ؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم ؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه‌ی دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم ؛ شما هم همین طور. شما کسانی که در عرصه‌ی دین و معرفت و امور الهی دارید کار میکنید، خیلی باید مراقب باشید ؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامان، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمك کند. یك مادح آستان فاطمی (سلام اللّه علیها) وقتی که در یك چنین جایگاهی قرار گرفت، یك انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه (علیهم‌السّلام) و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دلها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای

متعال عزیز و محبوبند.

البته امروز یك نكته‌ای در جلسه‌ی ما وجود داشت كه این نكته، نكته‌ی مستحسنی است. من در این سالهای طولانی، خیلی اوقات به برادران مداح كه اینجا میخواندند، این اعتراض را میكردم كه جلسه‌ی جشن و مولود را تبدیل میكردند به مجلس عزاداری ؛ مفصّل روضه خواندند و اشك گرفتند! هر چیزی به جای خودش. به شما میگویند مداح. مداح یعنی چه؟ شاخصه‌ی اصلی شما مداحی است، نه روضه‌خوانی. روضه بخوانید، بنده طرفدار روضه‌خوانی‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اینجور نیست كه در مجلس مولودی‌خوانی ائمه (علیهم‌السّلام) هم حتماً باید یك روضه‌ای خوانده شود، یك دمی داده شود، یك اشكی گرفته شود ؛ هیچ لزومی ندارد. بگذارید عواطفی كه مردم نسبت به ائمه (علیهم‌السّلام) دارند، در خارج اینجور وانمود نشود كه منحصر است در قضیه‌ی گریه و سینه‌زنی و عزاداری ؛ نه، عزاداری به جای خود، مدیحه و مولودی‌خوانی و شادی هم به جای خود ؛ اینها را نباید با هم مخلوط كرد.

و اما نكته‌ی دوم كه امروز شایسته است درباره‌اش صحبت شود، مسئله‌ی زن است. یكی از سیئات تمدن مادی، حركتی است كه در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی كه تمدن غرب در مورد جنس زن مرتكب شده است، نه به این زودی قابل پاك شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتّی نه به‌آسانی قابل بیان كردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی كارهایشان - جنایت میكنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میكنند، اسمش را طرفداری از ملتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میكنند، اسمش را دفاع میگذارند! یكی از طبایع تمدن غربی، فریب است ؛ دوروئی، نفاق، دروغگوئی، تناقض در رفتار و گفتار ؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همین جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رائج خودشان را در كل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا كاری كرده‌اند كه یكی از مهمترین وظائف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظائف - این است كه جلوه‌گری كند، زیبائی‌های خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد ؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمی‌ترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریانتر بیایند، اشكالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یك حركت بر طبق طبیعت است؟ آنها این كار را كردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینكه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی كه احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تكریم زن است ؛ احترام زن است ؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شكستند و دارند روزبه‌روز هم بیشتر میشكنند ؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اوّلین یا شاید یكی از اوّلین آثار سوئی كه این مسئله گذاشت، ویران كردن خانواده بود ؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یك جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود.

مشكلاتی كه امروز در غرب وجود دارد، این قانونهای ابلهانه و خباثت‌آمیزی كه اینها در زمینه‌ی مسائل جنسی دارند میگذرانند، اینها را به ته درّه دارد حركت میدهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست ؛ اینها محكوم به سقوطند. تمدن غربی چه بخواهد، چه نخواهد، دیگر قادر نیست جلوی این سقوط را بگیرد. ترمز این وسیله بریده است، جاده هم بشدت لغزنده و سراشیب است. اینها گناه كردند آن وقتی كه ترمز را بریدند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند ؛ لذا محكوم به شكستند.

زوال تمدنها، مثل سر برآوردن تمدنها، یك امر تدریجی است - یك امر دفعی و فوری نیست - و این تدریج دارد اتفاق می‌افتد و گمان نمیكنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این نسل دور بماند ؛ خواهند دید كه چه اتفاقی می‌افتد.

خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند، انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) می‌آفریند که امام عسکری یا امام هادی (علیهما السّلام) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - میفرمایند: «نحن حجج الله علی خلقه و فاطمة حجّة الله علینا». فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) حجتِ حجت خدا است، امام ائمه است ؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یك چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته‌های عالم خلقتند. در این جاده‌ی تکامل و تعالی، آن که حرکت میکند، انسان است. در حقوق اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در چند مسئله‌ی اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسئله امتیازاتی به مرد داده شده ؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد ؛ این اسلام است ؛ متین‌ترین، منطقی‌ترین، عملی‌ترین قوانین و حدود و مرزهائی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسئله‌ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت ؛ یکی از اساسی‌ترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسی‌ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است ؛ که این به عهده‌ی کدبانوی خانه است.

مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست ؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است ؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.

یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند ؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند ؛ نه، اشکالی ندارد ؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یك شغل است ؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یك مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یك برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم ؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهائی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد ؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست ؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظائف زنان است ؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است ؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند، اوست که رنجهایش را میبرد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده ؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانی‌اش را به آنها داده ؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.

احترام زن و تکریم زن، یك مسئله است - که این حتماً باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یك مسئله است ؛ رفتار با زنان هم یك مسئله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است ؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیطهای کار برخورد میکنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه‌ی زن، هم وظیفه‌ی نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار

بگیرد.

روز زن و روز مادر که خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی انطباق پیدا کرده است با روز ولادت برگزیده‌ی خلقت، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، باید همه را توجه دهد به این نکات. اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.

خداوند ان‌شاءالله به همه‌ی شما خیر بدهد، به همه‌ی شما برکت بدهد ؛ به حنجره‌ی شما، به سینه‌ی شما برکت بدهد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) ابراهیم: ۲۸